

ش ۱ - Adenantha pavonina: گل کامل - برش های طولی گل و دانه

Piptadenia peregrina Benth. * - درختی با برگهای مرکب از برگچه های ریز و گل های سفید مایل به زرد، مجتمع به صورت سنبله های کروی است. در امریکای جنوبی می روید. از دانه و برگ آن نوعی الکلوئید سمی به نام **بوفوتنه نین** (Bufotinine) (مایین mappine) به فرمول $C_{11}H_{14}N_2O$ و به وزن ملکولی ۲۰۴٫۲۶ استخراج (۱) و بعداً سنتز شده است. بوفوتنه نین، به صورت بلوریه های منشوری درشت در استئات ائیل به دست می آید. در گرمای $147-146$ درجه ذوب می شود. در آب تقریباً غیر محلول است. به مقدار زیاد در الکل و بمقدار کمتر در اتر حل می شود. در اسیدهای رقیق و قلیائیات نیز محلول است. مصرف آن ایجاد وهم و خیال می کند و سمکن است ناراحتی های شدید روانی به وجود آورد (2).

بوفوتنه نین، از انواع دیگر *Piptadenia* و از گونه های مختلف *Ammanita* (قارچهای از تیره Agaricaceae) نیز استخراج شده است (Martindale, p. 925, 1982).

Mimosa pudica L.

فرانسه: Mimosae, Sensitive plant, Humble plant, انگلیسی: Mimosa pudica, حساس گیاه، آلمانی: Schamhafte sinnpflanz, ایتالیایی: Sensitiva, Erba mimosa, E. casta

فارسی: گیاه حساس، گل قار کون (گیلان) - عربی: مستحیه (Mustahhiyah)، سختشیه گیاهی با ساقه چوبی، دارای دمبرگ پوشیده از کرک و برگهای مرکب از ۳ یا ۴ دمبرگ فرعی واقع در یک نقطه است. هر یک از دمبرگهای فرعی آن متفاوت دارای ۴ تا ۶ برگچه

1 - Stromberg, J. Am. Chem. Soc. 76, 1707 (1954).

2 - The Merck Index, No. 1467, (1976).

باریک و دراز است. از اختصاصات آن این است که برگهای آن با مختصر ضربه ای، به سمت پائین خمیدگی حاصل کرده، همراه با دمبرگ به طرف ساقه، جمع می شوند. منطقه پراکندگی آن، در نواحی حاره است. بعلاوه چون گیاهی زیست در نواحی مختلف پرورش می یابد.

خواص درمانی - برای ریشه این گیاه اثر مقوی بقاء در کتب دارویی ذکر گردیده است بعلاوه دارای اثر التیام دهنده و درمان آماس و التهاب هاست. مصرف آن در معالجه تبهای صفراوی، بواسیر، زردی و غیره، مفید ذکر شده است (yunani).



ش ۲ - Mimosa pudica: ساقه گلدار و سیوه دار - نمایش برگ بحالت خواب و بحالت طبیعی

برگ گیاه حساس در برزیل جهت رفع خنازیر و کلیه قسمتهای گیاه برای دفع سنگ کلیه و رسوبات ادراری مصرف می شود. برای آن اثر معرق نیز قائل اند. گیاه حساس در نواحی مختلف پرورش می یابد.

*** Albizzia anthelmintica AD. Br.**

فرانسه : Musenna Albizzia ، انگلیسی : Moussena ، Albizzic ، Musena

آلمانی : Musennarinde ایتالیائی : Albizzia عربی : ابوسن (Abúsin)

درختی است به ارتفاع ۳ تا ۶ متر و دارای شاخه‌های پوشیده از پوست صاف که به‌حد وفور در افریقای شمالی و برخی نقاط حبشه می‌روید. از مشخصات آن این است که برگهائی متناوب، شانهای مرکب و گلگلهائی نر- ماده، به‌رنگ زرد مایل به‌سبز زیبا و مجتمع به‌تعداد ۱ تا ۳ تائی دارد.

میوه‌اش دراز، مسطح، شکوفا، بی‌کرك و محتوی ۲ تا ۳ دانه سخت و به‌رنگ زرد مشخص است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، پوست ساقه آن است که پس از جدا ساختن از درخت و خشک کردن، به‌صورت قطعاتی به‌طول ۱۲ تا ۲۰ سانتیمتر و به‌عرض ۳ تا ۴ سانتیمتر (به‌ضخامت ۴ تا ۶ میلیمتر) در معرض استفاده قرار می‌گیرد.

سطح خارجی قطعات پوست این گیاه به‌رنگ خاکستری مایل به‌قرمز ولی سطح داخلی آنها، سفید مایل به‌زرد است. فاقد بو ولی در آغاز دارای طعم ملایم است بطوری که تدریجاً تند، قابض و تهوع آور می‌شود.

در کیمیات شیمیائی - پوست ساقه‌های این درخت فاقد هرگونه الکلوئید است ولی در عوض ماده‌ای به‌نام موسنین moussénine و همچنین مشتقات فاوروگلوکوسین phlo oglucine دارد.

خواص درمانی- پوست این درخت اثر ضد کرم دارد و در حبشه مصرف آن بر Kosso (گیاهی با اثر ضد کرم از تیره گل سرخ) ترجیح داده می‌شود، زیرا بکار بردن آن مستلزم مصرف سه‌گانه جهت دفع کرم نیست بعلاوه اگر به‌مقدار درمانی بکار رود، عوارض ناراحت کننده داروهای ضد کرم دیگر را ندارد.

مصرف مقادیر زیاد آن اثر مسهلی ظاهر می‌کند.

صورت داروئی- گرد پوست آن به‌مقدار ۲ تا ۴ گرم به‌صورت مخلوط در شیر یا در عسل و یا به‌صورت عصاره مصرف می‌شود.

این گیاه در ایران نیست.

Albizzia Lebbek Willd.

Albizzia latifolia Boiv. ، Acacia Lebbek Willd.

فرانسه : Lebbek ، Bois noir ، Ebenier d'orient ایتالیائی : Lebbek

انگلیسی : Lebbek tree ، Siris tree آلمانی : Siris Acacia ، Lebek

فارسی : برهان، گل ابریشم عربی : لبخ (Labakh)، ذقن الباشا (báshá...)

درختی است زیبا، زینتی، بدون خار و به ارتفاع ۵-۶ متر که ساقه و شاخه‌هایی با پوست سبز روشن دارد. شاخه‌های گسترده آن وضع چترمانند به درخت می‌دهد. برگهای شانهای مضاعف آن، مرکب از برگچه‌های فراوان است. گلگلهای سفید، صورتی و یا سرخ رنگ آن که به‌تعداد فراوان بر روی شاخه‌ها ظاهر می‌شود، منظره بسیار زیبا به درخت می‌بخشد. میوه‌ای نیام باریک و نازک، مسطح و محتوی دانه‌های بیضوی دراز، به‌رنگ قهوه‌ای روشن دارد. در مناطق نیمه گرم آسیا و افریقا می‌روید و پرورش می‌یابد.

قسمت مورد استفاده این درخت پوست ساقه و ریشه آن است.

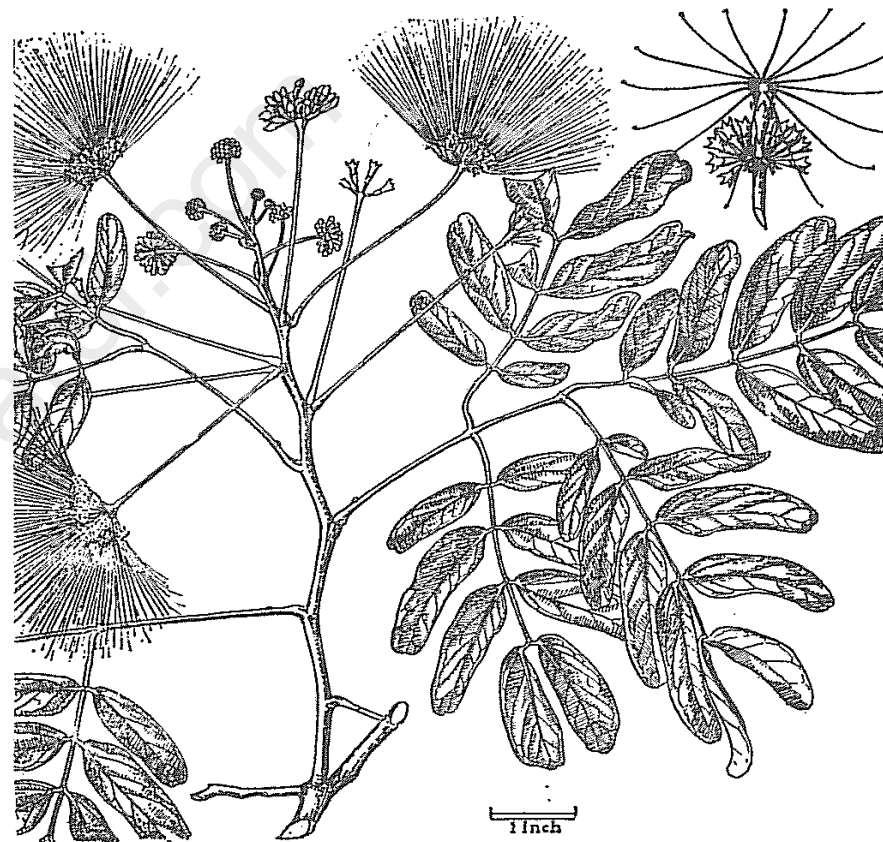
خواص درمانی- پوست درخت، طعم تلخ و اثر ضد کرم دارد. در درمان ناراحتی‌های پوستی، خارش، بواسیر و رفع التهاب‌ها، مؤثر واقع می‌گردد. از آن برای مداوای باد سرخ و رفع ترشح زیاد و غیرطبیعی عرق استفاده می‌شود. گلگلهای آن برای درمان آسم مصرف دارد بعلاوه نرم و بازکننده دمل و جراحات است. دانه‌اش طبق نظر بعضی محققین، اثر مقوی باء دارد (yunani) و نیرو دهنده قوای مغزی است. گرد حاصل از پوست خشک شده ریشه درخت، برای تقویت لثه دندان و جلوگیری از زخمی شدن آن مصرف می‌شود.

محل رویش- غالب نواحی جنوبی ایران مانند بوشهر، بلوچستان، آبادان، خرمشهر، اهواز و بندرعباس.

گونه دیگر آن در ایران ، **Albizzia Julibrissin Durazz** است که برای آن اثر درمانی مشابه ذکر گردیده است. این درخت زیبا، در منطقه وسیعی از نواحی شمالی ایران می‌روید و بعنوان زینت نیز در منازل و باغها کاشته می‌شود. در نواحی شمالی ایران به نامهای مختلف مانند **شب خمب (Shab khosb)**، **شب خوس دار (در رشت)** و همچنین **درخت** - **ابریشم** موسوم است.

در گیاهان متعددی از این تیره، مخصوصاً در گیاه مذکور، ماده‌ای به نام **آلی‌زی‌ئین**

albizzeine وجود دارد که نخستین بار، Gmelin و همکارانش آنرا از دانه *A. Julibrissin* استخراج نموده‌اند (۱). سنتز این ماده توسط Kjaer و Larsen انجام گرفته است (۲).



ش ۳ - *Albizzia Lebbek* : شاخه گلدار

آلبی‌زی‌ئین *Albizzeine* به فرمول $C_{24}H_{39}N_3O_3$ و به وزن ملکولی ۴۷۱٫۴ است، به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در الکل به دست می‌آید. این ماده در گرمای ۲۱۸-۲۲۰ درجه تجزیه می‌شود.

1 - Gmelin et al. , Z. Naturforsch. , 13 b , 252 (1958).

2 - Kjaer , Larsen, Acta Chem. Scand. 13 , 1565 (1959).

***Pithecolobium lobatum* Benth.**، از گیاهان داروئی مفید دیگر این تیره است که در نواحی مختلف جنوب ایران مانند تیس پرورش می‌یابد. شاخه‌های خاردار و تنه‌ای به ارتفاع ۱۸-۵ متر دارد. برگهای آن شانه‌ای مضاعف است. منشاء اصلی آن آمریکا بوده از آنجا به نواحی دیگر انتقال یافته‌است. امروزه نه تنها در نواحی گرم منجمله جنوب ایران، هند و غیره انتشار دارد بلکه پرورش نیز می‌یابد. گل‌های آن به رنگ سفید مایل به زرد و میوه‌اش نیام، به طول ۱-۱٫۸ سانتیمتر و دارای ظاهر ناهموار و پیچ خورده است. در داخل میوه نیز ۶-۸ دانه محصور در یک قسمت گوشتدار جای دارد.

پوست این درخت به عنوان تب‌بر در بعضی نواحی مصرف می‌شود. جوشانده آن به صورت تنقیه بکار می‌رود.

اعضای این گیاه مخصوصاً پوست آن دارای نوعی اسید امینه به نام اسید جنکولیک *Acide Djencolique* (Djencolic acid) ، به فرمول $C_7H_{14}N_2O_4S_2$ و به وزن ملکولی ۲۵۴٫۳۳ است که به صورت بلوریهایی سوزنی شکل مجتمع و به طول نامساوی به دست می‌آید. در گرمای ۳۰۰ تا ۳۰۵ درجه تجزیه می‌شود. به سهولت در محلول‌های قلیائی و اسیدها حل می‌گردد (سرك ایندکس) و علاوه دارای پسته کولوبین *pithecolobine* می‌باشد.

محل رویش - جنوب ایران: تیس.

در بین گیاهان تیره گل ابریشم، انواع مفید دیگری نیز به شرح زیر وجود دارند که به علت داشتن میوه یا دانه خوراکی و یا اثرات درمانی کم ارزش، مورد استفاده قرار می‌گیرند و حتی بعضی از آنها که ظاهر زینتی و گل‌های زیبا دارند پیوسته پرورش می‌یابند.

***Leucaena glauca* Benth.** ، * *Acacia glauca* W. - در نواحی غربی هند می‌روید و علاوه در نواحی حاره پرورش می‌یابد. میوه و دانه آن به مصارف تغذیه می‌رسد. پرورش آن بیشتر به منظور اصلاح زمین زراعتی و تثبیت ازت در خاک است.

Masché، از دانه این گیاه ماده‌ای به نام لوسه‌نول *Leucaenol* (میموزین *Mimosine*) به دست آورد که به فرمول $C_8H_{10}O_4N$ ارائه گردید. دانه آن عاری از آسیدون و دارای ۱۲-۱۴ درصد موسیلاژ، قندهای مختلف مانند ساکارز و استاکیوز (*stachyosc*) و ۲۱ درصد مواد پروتیدی می‌باشد. خاکستر حاصل از آن نیز معادل ۵۰ درصد است. پروتیدهای دانه، مخلوطی از گلوبولین‌ها، آلبومین، ژلاتین‌ها، همراه بانوعی استرول به نام سیستوسترول - بتا (β -sistosterol) است (Perrot Em. Mat. prem. p. 141 - 1493 - 44).

میموزین، به طوریکه در *Merck Index* منعکس است، دارای اختصاصاتی به شرح زیر می‌باشد:

میموزین Mimosine (لوسه نول leucaenol ، leucenol ، لوسه نین leucaenine ، leucenine) ، به فرمول $C_8H_9N_4O_2$ و به وزن ملکولی ۱۹۸٫۱۸ است و از دانه گیاه مذکور توسط محققین مختلف استخراج شده است (۱). مشابهت این ماده با لوسه نول نیز توسط Wibaut و kleipool در سال ۱۹۰۰ به ثبوت رسیده است (۲).

فرم راسیمیک این ماده (dl) ، به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۲۳۵-۲۳۶ درجه ذوب می شود. در اسیدهای رقیق و قلیائیات محلول است ولی اگر دارای $\frac{1}{2}$ ملکول آب تبلور باشد، بلورهای آن در گرمای ۲۱۰-۲۲۶ درجه تیره رنگ می گردد و در گرمای ۲۲۷-۲۲۸ درجه ذوب می شود.

فرم لوژیر (l) (به حالت متبلور در آب (حلال) به دست می آید. در گرمای ۲۲۰ درجه ذوب می شود.

میموزین، دارای اثر ازین برنده سوسمی باشد و از این نظر مورد استفاده قرار می گیرد. **L. odoratissima** Hacsk. ، در جاوه می روید و از اعضای آن جهت رفع دل پیچه (Colique) و شکار ماهی استفاده بعمل می آید.

میوه **Parkia africana** R. Br. ، ظاهر باریک، محدب و حالت ناشکوکا دارد. برون بر میوه، قسمت گوشتداری به رنگ زرد و محتوی دانه های تیره رنگ را از خارج فرا می گیرد. پولپ میوه (قسمت گوشتدار میوه)، دارای ساکارز و خوراکی است ولی به سهولت تخمیر می شود. از دانه بو داده و له شده آن توسط بومیان محل در سودان، نوعی غذا با بوی ناپسند تهیه می گردد که مورد توجه آنهاست (Perrot Em., p. 1509).

Calliandra Houstoni Benth. ، گیاهی است که در مکزیک می روید و از آنجا به نواحی دیگر انتشار یافته است. پوست ساقه گیاه دارای گلوکزیدی به نام **پام بوتامین** (Boquillon) pambotamine می باشد. در ریشه اش طبق تحقیقاتی که توسط G. Pouchet در سال ۱۸۹۶ میلادی به عمل آمد ، نوعی ماده رزینی و یک ساپونین به مقدار بسیار جزئی از نوعی الکلوئید محقق گردید. تهوع آور بودن طعم ریشه گیاه نیز مربوط به ساپونین موجود در آن می باشد (۳).

جوشانده ۷۰ در هزار پوست ساقه در آب ، برای اشخاص بالغ و ۳۰ در هزار آن

1 - Renz, Z. physiol. Chem. 244, 153 (1936).

- Mascré, Compt., Rend. 204, 890 (1937).

2 - Kleipool, Wibaut, Rec. Trav. Chim. 69, 37 (1950).

3 - Dorvault, pp. 1262, (1948).

برای اطفال ، جهت درمان تب های نوبه مالاریائی سابقاً مصارف نسبتاً زیاد داشته است (Dr. Valud, Acad. méd. Fév. 1890).

نوع دیگر آن **C. grandifolia** Benth. * است که آن نیز در مکزیک می روید و به مصارف مشابه یعنی درمان مالاریا می رسد.

Pentaclethra macrophylla Benth. * درختی است که در نواحی حاره افریقا می روید و ارتفاع ساقه آن به ۲۰-۲۵ متر می رسد. پوست تنه و شاخه های آن به رنگ مایل به خاکستری است. گلپهائی به رنگ قرمز تیره و میوه ای بصورت نیام و به طول ۵ سانتیمتر دارد. پس از رسیدن میوه، دانه های درون آن با شدت زیاد به خارج پرتاب می شوند. دانه ها، به طول ۵-۸، به عرض ۴-۵ و به ضخامت یک سانتیمتر می رسند و مغز درون آنها دارای ۲۸ درصد مواد پروتئینی و ۳۹ تا ۵۱ درصد مواد چربی است. روغن دانه ها، حالت سخت و انجماد یافته دارد و در گرمای ۲۰ تا ۳۰ درجه ذوب می گردد. رنگ روغن، زرد عنبری، بوی آن تند و مخصوص و طعم آن ابتدا مطبوع و سپس تلخ است. وزن مخصوص معادل ۰٫۹۱۶ ر. در گرمای ۱۰۵ درجه دارد. دارای اسیدهای استئاریک (۲۱ درصد)، پالمیتیک (۴ درصد)، آراشیدیک (۳٫۸ درصد)، **به هنیکیک** (ac. behenique) به مقدار ۹٫۰۹ درصد، لینوسریک (۱۱ درصد)، اولئیک (۵٫۴۰ درصد) و اسید لینولئیک به مقدار ۱٫۸۷ درصد است.

روغن حاصله از دانه آن، برای تهیه استئارین و صابون، مورد استفاده قرار می گیرد به علاوه مصارف صنعتی مختلف دارد.

Entada scandens Benth. ، گیاهی است بالارونده که در نواحی حاره افریقا و در هند و مالزی و ماداگاسکار می روید. میوه ای بسیار دراز و محتوی دانه های درشت و روغن دار با اثر قوی آور دارد ولی اگر خیسانده شود و به مدت ۲-۳ روز در آب قرار گیرد و بعداً به مدت طولانی جوشانده شود، این اثر را از دست می دهد و قابلیت مصرف پیدا می کند.

از این گیاه در بعضی نواحی محل رویش، به عنوان تصفیه خون و غیره استفاده درمانی به عمل می آید.

Inga Avaremontemo Endl. ، **Mimosa cochlicarpos** Gray. ، دربرزیل

می روید و پوست آن تحت نام پوست باباتی مائو (Ecorce de Barbatimao) یا پوست برزیل (E. de Brésil) ، به علت قابض بودن مورد استفاده قرار می گیرد. مصرف آن در کدکس ۱۸۶۶ ذکر شده است. ظاهر پوست آن، شبیه پوست کنکینای قرمز است. از وارد کردن گرد پوست آن در الکل ضعیف، معادل ۲۰-۳۰ درصد عصاره محلول در آب یا در الکل ضعیف، به دست می آید که اثر آن شبیه راتانیا (Ratanhia) می باشد.

پوست گیاه در اروپا به مصارف درمانی نمی‌رسد ولی در برزیل از آن در دباغی و چرم - سازی استفاده به عمل می‌آورند. پوست گیاه مذکور، جهت درمان خونروی‌ها، اسهال‌های ساده، رفع ترشحات مهبلی و غیره مصرف می‌گردد.

Inga vera Willd. * ، در امریکای مرکزی می‌روید و برگ و پوست آن، به عنوان قابض و رفع اسهال مصرف می‌شود.

Tetrapleura Thoningii Benth. * ، در نواحی غربی آفریقا می‌روید. میوه‌اش دارای ساپونین فراوان است و از آن به عنوان قی‌آور استفاده بعمل می‌آورند.

Enterolobium cyclocarpum Gris. * ، در نواحی حاره امریکا می‌روید و از آن نوعی صمغ به نام Goma de Cara به دست می‌آورند.

Prosopis spicigera L.

فرانسه : Prosopé انگلیسی : Musquit bean ، Screw bean ایتالیایی :
آلمانی : Ahrenscheffe ، Prosopé فارسی : کهور (Kahour) ، غاف (Ghâf)

درختچه‌ای خاردار، به ارتفاع ۲-۱۰ متر و دارای ریشه‌های طویل تا اعماق نسبتاً زیاد زمین است. شاخه‌های باریک، بی کرک و برگهای شانه‌ای مضاعف، مرکب از برگچه‌های کوچک و باریک و نوک تیز دارد. گل‌های زرد رنگ آن به صورت خوشه‌های دراز منفرد یا ۲ تا ۳ تایی بر روی شاخه‌ها ظاهر می‌شود. میوه‌اش نیام، به طول ۱-۲ سانتیمتر و دارای ظاهر باریک و استوانه‌ای و سطح ناهموار است. در داخل میوه نیز به تعداد متفاوت ۵ تا ۱۰ دانه به رنگ قهوه‌ای کدر جای دارد. این درخت در جنوب آسیا مانند ایران، هند، افغانستان و غیره می‌روید.

خواص درمانی - پوست درخت، طعم گس و تلخ دارد. مقوی و ضد کرم است. از آن جهت درمان جذام، دیسانتری، برونشیت، آسم و سوارد مختلف دیگر در نواحی محل رویش استفاده بعمل می‌آید.

محل رویش - برازجان، بلوچستان، بوشهر، جنگلهای جیرفت و نرماشیر، شهداد، مکران، بندرعباس، نیک‌شهر، بمپور.

از این گیاه و تعداد زیادی از انواع دیگر آن که در نواحی خشک و بایر غرب امریکا می‌رویند مانند *P. dulcis* Kunth. ، *P. horrida* Kunth. ، *P. juliflora* (Swartz) DC. ، *P. pubescens* Benth. ، *P. glandulosa* Torr. ، *P. inermis* H.B.K. و غیره نوعی صمغ به نام **صمغ مسکویت** Mesquite Gum (سونورا Sonora) به خارج ترشح می‌شود که جمع‌آوری می‌گردد. این صمغ می‌تواند به جای صمغ عربی به مصارف مختلف برسد. ضمناً منشاء تهیه آرایبوز (*L. arabinose*) و اسید گلوکورونیک (*D. glucuronic acid*) می‌باشد.

تیره گل صرخ Rosaceae

گیاهان این تیره به‌صورت مختلف درخت، درختچه، بوته و یا علفی می‌باشند شامل متجاوز از ۲۰۰۰ گونه‌اند که تقریباً در ۱۰۰ جنس جای داده شده‌اند. در غالب نواحی کره زمین مخصوصاً در نواحی معتدله و سرد نیمکره شمالی پراکندگی دارند.

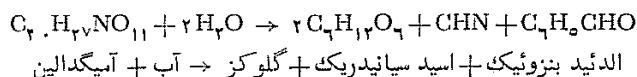
از جنس‌های مهم این تیره ، *Spiraea* (۱۰۰ گونه) ، *Sorbus* (۱۰۰ گونه) ، *Rubus* (۲۰۰ گونه) ، *Potentilla* (۳۰۰ گونه) ، *Geum* (۴۰۰ گونه) ، *Alchemilla* (۱۰۰ گونه) ، *Rosa* (۱۰۰ گونه) ، *Prunus* بانضمام *Amygdalus* و *Cerasus* (۲۰۰ گونه) و *Crataegus* (۵۰ گونه) را نام می‌بریم.

از اختصاصات آنها این است که برگهائی متناوب، استیپول‌دار، ساده یا مرکب و گل‌های منظم، نر- ساده، بندرت بر ۲ نوع نروماده و پلی‌گام دارند. کاسه گل آنها از ۵ یا ۶ کاسبرگ آزاد و یا متصل به هم تشکیل می‌یابد. جام گل آنها دارای ۵ یا ۶ گلبرگ به رنگهای مختلف سفید، زرد، صورتی، قرمز، ارغوانی و گاهی فاقد گلبرگ است. پرچم‌های آنها زیاد و معمولاً واقع بر روی ۳ حلقه تا ئی است ولی گاهی بر اثر مضاعف شدن آنها، تعداد پرچمها به ۲۰ تا ۵۰ نیز ممکن است برسد. میوه آنها به‌صورت مختلف فندقه، فولیکول، شفت و سته است.

در برگ و پوست و دانه عده‌ای از این گیاهان، گلوکزیدهای مولد اسید سیانیدریک یافت می‌شود. این گلوکزیدها، تحت اثر فرمان مخصوص، اسید سیانیدریک، گلوکز و سواد دیگر بوجود می‌آورند.

گلوکزیدهای مولد اسید سیانیدریک علاوه بر تیره گل سرخ، در گیاهان تیره‌های دیگر نیز یافت می‌شوند چنانکه طبق بررسی‌های Rosenthaler (در سال ۱۹۰۹)، ۳۶ گیاه که در ۴۱ تیره و ۱۴۸ جنس پراکنده می‌باشند، دارای گلوکز مذکورند و از اینها، ۸۰ گونه منحصرأً به تیره گل سرخ تعلق دارند.

یکی از گلوکزیدهای مذکور، آمیگدالین amygdaline است که در سال ۱۸۳۰ توسط Robiquet و Boutron از بادام تلخ بدست آمد. دو دانشمند دیگر به نامهای Woher و Liebigh در سال ۱۸۳۷ نشان دادند که این گلوکزید، در مجاورت آب و تحت اثر فرمان مخصوص به نام سیناپتاز *cynaptase* یا امولسین *emulsine*، هیدرولیز گردیده از تجزیه آن سواد نظیر اسید سیانیدریک، الئید بنزوئیک و گلوکز طبق فرمول زیر نتیجه می‌شود:



در سال ۱۸۹۵ Fischer با تأثیر دادن خیسانده مخمر آبیجو بر روی آمیگدالین، موفق به هیدرولیز قسمتی از این گلوکز گردید. بدین معنی که بر اثر این عمل، گلوکزیدی به نام آمیگدو نیتریل - گلوکزید - amygd - nitrile - glucoside و یک ملکول گلوکز از آن بدست آورد.

گلوکزید اخیر، تحت اثر امولسین، به سهولت تجزیه گردیده، یک ملکول گلوکز، اسید سیانیدریک و الدئید بنزوئیک از آن حاصل می شود.

آمیگدو - نیتریل - گلوکزید در طبیعت به ۳ صورت راست، چپ و راسیمیک وجود دارد. چنانچه در *Photinia serrulata* Lindl. و *P. virginiana* Duroi، *Prunus padus* L. به صورت چپ وجود داشته به نام پرونازین *prunasine* یا پرونازوزید *prunasoside* موسوم است. در لوریه سریز، به صورت راسیمیک و به نام پرولورازین *prulaurasine* (ایزوپرونازین) ولی در *Sambucus nigra* L. به صورت راست و به نام سامبونیگرین *sambunigrine* یافت می شود (1).

از آنچه ذکر شد این نتیجه حاصل می شود که امولسین شامل دو فرمان است یکی به نام آمیگدالاز *amygdalase* که آمیگدالین را به گلوکز و آمیگدونیتریل - گلوکزید تجزیه می کند و دیگری آمیگدالیناز *amygdalinase* یا پروناز *prunase* که بر روی آمیگدو - نیتریل - گلوکزید (یا ایزوسرهای آن) اثر کرده گلوکز، اسید سیانیدریک و الدئید بنزوئیک می دهد (Planchon - Br. p. 1298).

اگر عمل هیدرولیز با اسید کلریدریک صورت گیرد، از آمیگدالین، دو ملکول گلوکز و از آمیگدونیتریل - گلوکزید، یک ملکول گلوکز و در بعضی موارد، آمونیاک و اسید فنیل گلیکولیک *ac. phénylglycolique* (یا اسید ماندلیک *ac. mandélique*) بدست می آید.

آمیگدالین *Amygdaline* (آمیگدالوزید *Amygdalosite*)، به فرمول $C_{20}H_{27}NO_{11}$ و به وزن ملکولی ۴۷۴.۰۴ است. آمیگدالین، در برگ، دانه، جوانه و پوست انواع مختلفی از گیاهان تیره های *Rosaceae* و کاج مخصوصاً در انواع زیر یافت می شود و استخراج شده است:

- ۱- در مغز هسته *Persica vulgaris* Mill.
- ۲- در مغز *Amygdalus communis* L.
- ۳- در مغز *Var. amara* — — —
- ۴- در مغز *Armeniaca vulgaris* Lam.

۱- پرونازین، فرم راست گرد (دکستروژیر)، پرولورازین، فرم راسیمیک و لی سامبونیگرین، فرم چپ گرد (لوژیر) از مانده لونیتریل گلوکزید *Mandelonitrile Glucoside* است. (Merck Index, N. 5548, 1976) که در این کتاب در بحث *Sambucus nigra* شرح داده شده است.

- ۴- در دانه *Malus orientalis* Ugl.
- ۵- در برگ *Sorbus Boissieri* C. K. Sch.
- ۶- در بعضی انواع *Spiraea* و *Prunus*
- ۷- جوانه و پوست بعضی انواع *Pinus* (از تیره کاج)

فرمول منبسط و سنتز آن توسط Wylam, Howorth (1) و محققین دیگر مورد بررسی قرار گرفت و تعیین گردید (2).

آمیگدالین، به صورت بلورهای منشوری شکل و یا ورقه مانند، بی رنگ، بی بو و دارای طعم کمی تلخ به دست می آید. در آب و الکل جوشان، به مقدار زیاد حل می شود ولی در اثر تقریباً غیر محلول است. اسید سولفوریک آنرا در خود حل می کند و رنگ بنفش ایجاد می نماید. در اسید کرومیک نیز حل می شود و محلولی به رنگ قرمز گیلاسی، بنفش و سپس سبز ایجاد می کند. در گرمای ۲۰۰ درجه ذوب می گردد (Reutter L, p. 651).

دستگاه ترشچی - دستگاه ترشچی گیاهان تیره گل سرخ شامل تارهای ترشچی و یاسلولهای واقع در اندامهای داخلی گیاه به شرح زیر است:

- ۱- تارهای ترشچی که یک یا چند سلولی است.
- ۲- سلولهای ترشچی واقع در بافتهای داخلی که بتفاوت شامل سلولهای موسیلاژدار و یا سلولهای تانن دار است.

در بعضی از اندامهای این گیاهان نیز حفره های مملو از صمغ و موسیلاژ دیده می شود. این حفره ها که بر اثر از بین رفتن بعضی از سلولهای بافت معینی بوجود می آیند. ممکن است نشاء پاتولژیک نیز داشته باشند یعنی، در واقع نفوذ نوعی آفت در بافت، باعث از بین رفتن عده ای از سلولهای یک بافت و پیدایش حفره و ذخیره سوادی نظیر صمغ و غیره شده باشد.

انواع داروئی گیاهان تیره گل سرخ به شرح زیر است:

Fragaria vesca L.

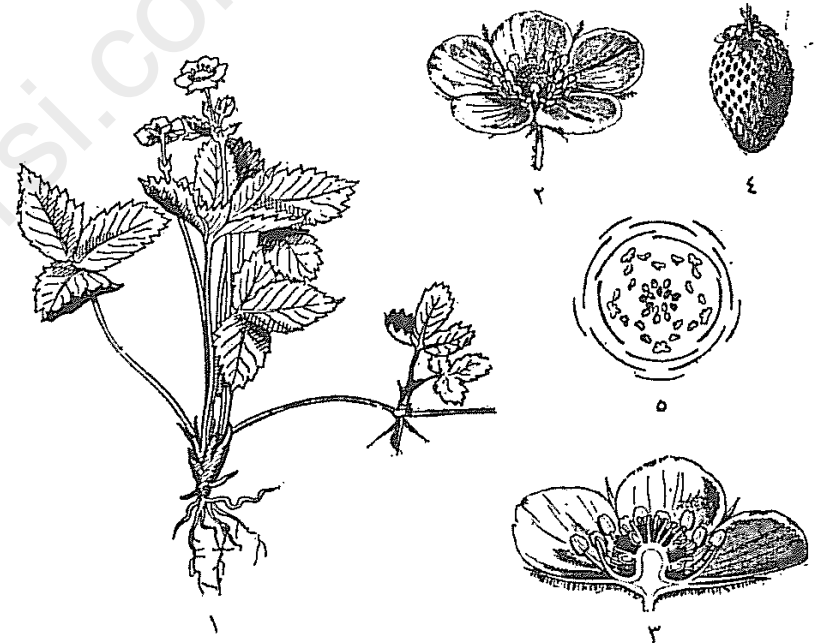
- فرانسه : *F. commun*, *Fraisier*، انگلیسی : *Strawberry* آلمانی : *Erdbeere*
 ایتالیائی : *Fravola*, *Fragola*، عربی : *Ferawlah*، شلیک (Shulayk)
 فارسی : **توت فرنگی، چیاک**

گیاهی علفی و دارای ساقه ای بر دو نوع خوابیده (مولد ریشه های نابجا و پایه های

1 - Howorth, Wylam, J. Chem. Soc. 123, 3120 (1923).

2 - Kuhn. Ber. 56, 857 (1923).

علیحده) و قائم است. نوع اخیر، ارتفاعی در حدود ۸ تا ۱۵ سانتیمتر دارد و درانتها به گل ختم می شود. توت فرنگی، برگهای سهبرگچه ای دنداندار و دمبرگ دراز و منتهی به سوس فبری دارد. گلهای آن منظم، به رنگ سفید و مجتمع به تعداد ۲ تا ۵ تائی و حتی بیشتر است. کاسه گل آن مرکب از ۵ قطعه سبز رنگ است و ۵ کاسبرگ فرعی نیز آنرا از خارج فرا می گیرد.



ش ۴ - ۵ - *Fragaria vesca*: گیاه کامل گلدار - گل - میوه - دیاگرام

در توت فرنگی، کاسه و کاسبرگهای فرعی، حتی پس از رسیدن میوه با آن باقی می مانند. در داخل پوشش گل آن، تعداد فراوانی پرچم جای دارند. در توت فرنگی، نهیج گل که از کاسبرگها احاطه گردیده است تدریجاً گوشتدار و دارای اندوخته های گلوئیدی فراوان می شود و همین قسمت است که به مصرف تغذیه می رسد. میوه حقیقی گیاه که به صورت دانه های کوچک و تیره رنگ در قسمت گوشتدار و خوراکی توت فرنگی جای دارند، هر یک عبارت از یک فندقه محتوی یک دانه می باشد.

توت فرنگی، علاوه بر آنکه به حالت وحشی در نواحی مختلف می روید به علت دارا بودن میوه خوش طعم و مطبوع، پرورش نیز می یابد. در نواحی شمالی ایران، مخصوصاً بعضی از دامنه های البرز مستور از پایه های وحشی این گیاه است (منطقه عمارلو - دامنه های داماش). قسمت مورد استفاده این گیاه، ریزوم، برگ و میوه آن است.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم توت فرنگی دارای ۱ درصد تانن و گلوکزیدی به نام فراگاریانین fragarianine و احتمالاً فراگارین fragarine است. پس از مصرف آن، ادرار، رنگ گلی و مدفوع رنگ قرمز حاصل می کند.

ترکیب شیمیائی میوه آن، برحسب وارینه و نژاد مورد پرورش و همچنین زمان جمع آوری محصول و اینکه میوه کاملاً رسیده و یا نسبتاً رسیده باشد، فرق می کند.

توت فرنگی (میوه) بطور متوسط دارای ۸۱ تا ۸۷ درصد آب، ۳ تا ۱۳ درصد گلوکز و لولز (مقدار درصد این دو قند و حتی نوع آنها، در نمونه های پرورش یافته و وحشی فرق دارد)، ۱۱ درصد اسیدهای آزاد مالیک، سیتریک، وینیک ac. vinique، و لاکتیک، ۳ درصد مواد چرب، ویتامین C فراوان، و به مقدار بسیار کم از ویتامین های A و B، E و K است.

توت فرنگی دارای املاح آهن، سدیم و عناصر فسفر، نیرویوم، گوگرد، کلسیم، سیلیس، ید و غیره است.

دانه آن برحسب نوع پرورش یافته گیاه، دارای ۱۴ تا ۱۹ درصد از مواد روغنی شبیه روغن کتان است.

خواص درمانی - اعضای مختلف توت فرنگی دارای اثر درمانی به شرح زیر می باشند: **برگ و ریزوم** توت فرنگی اثر قابض و مدر دارند. از دم کرده برگهای آن به صورت چای و به عنوان مدر استفاده بعمل می آورند.

از جوشاندن برگهای نسبتاً سس و ریزوم توت فرنگی پس از تغلیظ، مایعی بدست می آورند که به علت دارا بودن تانن، اثر قابض قطعی دارد. در بعضی کشورها هنوز هم نوعی چای مطبوع از برگ آن پس از افزودن دارچین و وانیل تهیه می نمایند.

برای جوشانده برگهای توت فرنگی، اثرات منفی درمانی مانند تصفیه کننده خون و آرام کننده اعصاب قائل اند.

اطبای قدیم بیشتر از پزشکان زمان حاضر، آنرا در رفع اسهالهای ساده، دیسانتری، خونریزیهای عادی، وجود خون در ادرار که بر اثر تحریکات و ناراحتیهای مجاری ادرار پیش آمده باشد و همچنین در رفع عرق شبانه مؤثر می دانسته اند.

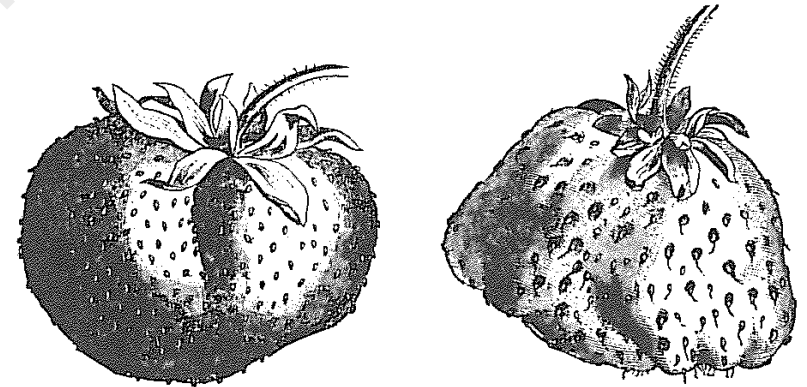
مصرف آن در بیماریهای مختلف نظیر سنگ کلیه و مجاری ادرار، بواسیر، ضعف اعمال -

معدده، تنگی نفس، ضعف اعصاب، تقرس، رماتیسم، آب آوردن انساج، بروز دانه های جلدی و غیره معمول است.

در استعمال خارج، جوشانده ریزوم و برگ توت فرنگی در رفع آئزین و لوسيونهای آن برای مداوای سرمازدگی اعضای بدن و تنقیه آن برای رفع اسهال های ساده بین مردم معمول می باشد.

توت فرنگی (میوه گیاه)، طعم مطبوع و اثر ملین خفیف، اشتها آور و آرام کننده دارد. مصرف آن به علت دارا بودن لولز، طبق عقیده Dr. H. Leclerc برای بیماران مبتلا به برض قند، بی زیان است.

خوردن مقادیر درمانی توت فرنگی در تقویت اعمال روده و رفع برخی بیوست های مزمن مؤثر است. شیره آن (آب توت فرنگی) اثر ضدباکتری، مخصوصاً باسیل تیفوئید دارد مانند آنکه



ش ۰۰ - میوه دو نوع توت فرنگی پرورش یافته (به اندازه های طبیعی)

اگر یک قسمت شیره توت فرنگی را به ۱۹ قسمت محلول محیط کشت (آبگوشت) وارد نمایند، میکروب قادر به تکثیر نخواهد بود و اگر به محلول رقیق $\frac{1}{4}$ آن، باسیل تیفوئید وارد شود، در طول چند ساعت از بین خواهد رفت.

چون با مصرف توت فرنگی، علاوه بر مواد غذایی، مقداری عناصر معدنی مفید مانند کلسیم و آهن و همچنین فسفر، به صورت قابل جذب، همراه با ویتامین C فراوان به بدن می رسد، از این جهت مصرف آن برای بیماران مسلول، افراد مبتلا به کم خونی و کسانی که از یک بیماری برخاسته و دوره نقاهت را می گذرانند، مؤثر و مفید ذکر گردیده است.

توت فرنگی به علت سرشار بودن از ویتامین C، اثر ضداسکوربوت قوی دارد و با مصرف آن، عوارض ناشی از کمبود و یا فقدان این ویتامین از بین می رود.

مصرف توت فرنگی، با همه حساسی که دارد در سوء هضم های ناشی از ضعف اعصاب ایجاد ناراحتی می کند. بعلاوه در مبتلایان به بیماریهای جلدی مانند آگزما و کهیر، باعث شدت ناراحتی می گردد و یا آنکه اصولاً ممکن است پس از مصرف، ایجاد ناراحتی های جلدی مذکور را در اشخاص سالم بنماید. ضمناً بطوری که مشاهده شده است در اشخاص حساس، ایجاد حالت استفراغ می کند.

منشأ پیدایش این عوارض که در واقع نوعی حساسیت در مقابل آن بحساب می آید، هنوز هم مانند حساسیت در مقابل مصرف تخم مرغ یا گوشت کنسرو و غیره، بدرستی معلوم نیست. امروزه عقیده دارند که توت فرنگی به علت آنکه میوه اش پس از رسیدن، در مجاور سطح زمین قرار دارد و در هنگام چیدن یا بر اثر وزش باد و غیره آلودگیهای مختلف حاصل می نماید، سریعاً سطح آن دارای مواد زیان آور می گردد که حالات مذکور و یا حساسیت از توت فرنگی، احتمالاً ممکن است مربوط به آن باشد.

توت فرنگی، بر اثر آلوده شدن به ذرات کود یا گرد و خاک، تخم انگلها، میکروبیها و غیره غالباً منشأ بیماریهای مختلف می شود از این جهت بهتر است آنرا پس از شستن و قرار دادن به مدت یک ساعت در شربت قند و یا شراب مصرف کرد.

در استعمال خارج قرار دادن شیره توت فرنگی و یا قطعات له شده آن بر روی پوست، جهت رفع لکه های صورت از قدیم الایام معمول بوده است.

بهداشت پوست

امروزه نیز تأثیر شیره توت فرنگی بر روی پوست صورت و جلوگیری از پیدایش چین و چروک و همچنین درمان آنها و روشن کردن رنگ پوست، مورد تأیید در کتب جدید قرار گرفته است. برای این کار له شده چند توت فرنگی را هنگام شب بر روی پوست صورت می مالند و به مدت چند دقیقه به ملایمت مالش می دهند و هنگام صبح آنرا با آب یا دم کرده گیاهی به نام *Anthriscus cerefolium* (L.) Hoffm. می شویند.

عدد توت فرنگی درشت را له کرده، در پارچه نازکی می ریزند و می فشارند. به مایع حاصل، سفیده یک تخم مرغ را که بر اثر هم زدن، به صورت کف در آمده باشد وارد می کنند بعداً آب گل سرخ (گللاب) و ۱۰ قطره تنطور بنژوئن به آن می افزایند و به خوبی تکان می دهند. در این موقع به کمک یک قلم مو و یا پنجه، محلول مذکور را به پوست صورت می مالند. پس از یک ساعت

که مایع بر روی پوست صورت خشک شد با محلول ۱۰ در هزار جوش شیرین، صورت را می شویند (Dr. Valnet J. 1982).

توت فرنگی اثرات مفید و فراوان در بهداشت پوست دارد.

صورت داروئی - جوشانده . ۲ تا ۵ در هزار برگ و یا ریزوم توت فرنگی به مقدار دلخواه می تواند مصرف شود. از جوشاندن ۳۷ گرم برگ توت فرنگی و یک لیتر عرق در بن ماری، بطوری که مجموعاً بر اثر جوشیدن به نصف تقلیل یابد، محلولی بدست می آید که برای رفع دیسانتری به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر سه ساعت توصیه شده است (Blackburn). مقدار مصرف آن برای دفع سنگ کلیه و مجاری ادرار، یک قاشق سوپخوری موقع صبح و شب تعیین گردیده است (Dinand و Kneipp).

دم کرده برگهای جوان و خشک شده توت فرنگی به صورت چای، همراه با شیرو یا روم Rhum (نوعی مشروب الکلی)، در بعضی نواحی بین مردم معمول است.

در استعمال خارج، جوشانده . ۴ تا ۵ در هزار برگ و ریزوم توت فرنگی به صورت غرغره، لوسیون، شستشو و غیره بکار می رود.

در مواردی که از میوه گیاه، به عنوان درمان بیماریها استفاده بعمل می آید، بهتر است مقدار ۳۰۰ تا ۵۰۰ گرم آن در روز خورده شود و یا آنکه مخلوط . ۲ گرم آن در نیم لیتر شیر بکار رود.

از توت فرنگی، گیلان رسیده، تسک و انگور فرنگی، نوعی مارمالاد با طعم مطبوع تهیه می شود. برای اینکار، مقدار یک کیلوگرم از هر یک انتخاب نموده، ۵ کیلو شکر به آنها می افزایند و تحت اثر گرمای ملایمی قرار می دهند به حدی که ۵ تا ۶ دقیقه بجوشد سپس آنرا در ظروف کوزه ای جای داده در گرمای ملایم اتو و یا کوره به مدت ۳ تا ۴ ساعت قرار می دهند و خاتماً کوزه های محتوی مارمالاد را در جای خشک جای می دهند.

عمل رویش - توت فرنگی در نواحی کوهستانی مختلف ایران به حالت وحشی می روید. در ارتفاعات البرز، آذربایجان، قره داغ (حسن بگلو)، عمارلو و داماش (در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری)، چرم کش: بین بیورزن، زردچین و کبوتر چاک (راسین زرگری - هدایت الله جعفری) یافت می شود.

پرورش نژادهای مختلف توت فرنگی در ایران معمول است.

Geum urbanum L.

G. ibericum Bess. ، *G. hyrcanum* C. A. Mey.

فرانس: Avence ، Racine bénie ، Herbe de saint Benoit ، Benoite commune ؛ آلمانی: Saramadenkraut ، Benedictenkraut ، Sanamund ، Echte nelkenwurz ؛ ایتالیائی: Erba reale ، Garofanata ، Benedetta ، Cariofillata ، Ambertta salvatica ؛ انگلیسی: Avence-root ، Herb-bonnet ، Avence ، Wood avens ؛ حبشیشة المبارک

گیاهی است علفی، پایا، پوشیده از تارهای خشن و دارای ساقه ای به ارتفاع ۳ تا ۹ سانتیمتر که معمولاً در حاشیه جنگل ها، کنار جاده ها و دشت ها تا ارتفاعات ۱۸۰۰ متری می روید. منطقه پراکنندگی آن نیز در غالب نواحی اروپا و مناطق معتدله آسیاست. به علت داشتن گلهای زیبا، پرورش نیز می یابد.

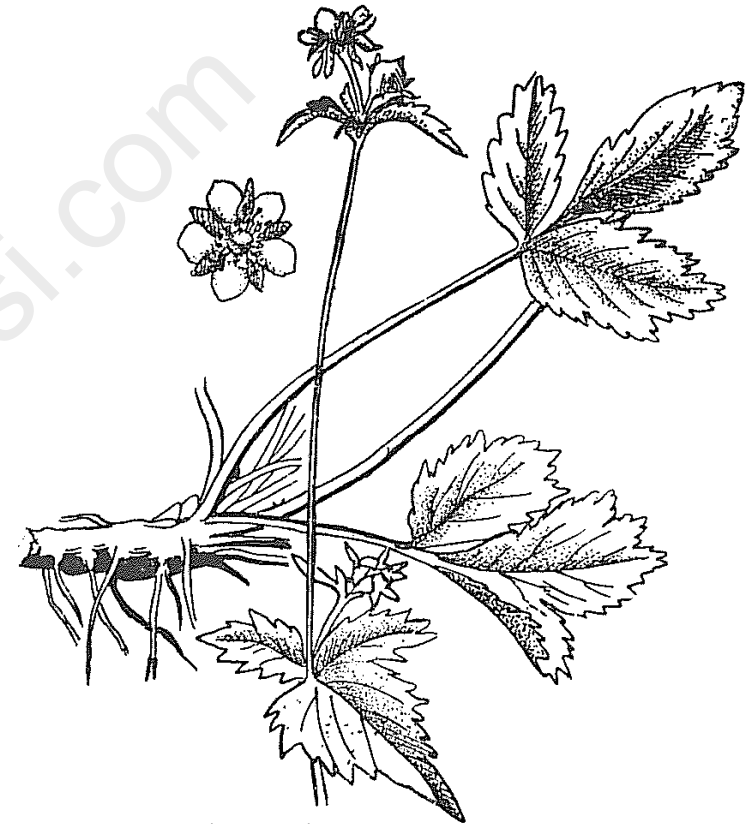
برگهای قاعده ساقه این گیاه، مرکب از قطعات ناساوی با کناره دنداندار و دارای وضع گسترده بر روی زمین است. از مشخصات آن این است که بین قطعات متقابل برگ آن، قطعات کوچکی به وضع نامنظم در طول محور برگ دیده می شود، در حالی که برگهای فوقانی گیاه معمولاً عاری از دمبرگ و شاسل ۳ قطعه ناساوی و دنداندار است. قطعه انتهائی برگها، خود به ۳ لوب عمیق قسمت می شود. گلهای آن کوچک، به رنگ زرد زیبا، مرکب از ۵ کاسبرگ، ۵ گلبرگ، تعداد زیادی پرچم و برچه های متعدد است.

قسمت مورد استفاده گیاه، ریزوم آن است که سطح ناهموار و پوشیده از ریشه های متعدد دارد و در بازار تجارت به غلط ریشه خوانده می شود. رنگ آن قهوه ای تیره، بوی آن ملایم، شبیه بوی سیخک و طعم آن قابض و تلخ است.

در برش عرضی آن، ۵ تا ۱۰ دسته آوندی به ابعاد متفاوت و به رنگ سفید مایل به زرد مشاهده می گردد.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم و ریشه تازه گیاه دارای تانن فراوان و هتروزیدی به نام ژئین géine یا ژئوزید géoside است. این هتروزید، تحت اثر دیاستازی به نام ژئاز géase تجزیه گردیده، گلوکز، ماده معطری به نام اوژنول eugénol و ویسیانوز vicianose می دهد. ژئین Géine (ژئوزید geoside)، هتروزیدی به فرمول $C_{21}H_{30}O_{11}$ و به وزن ملکولی ۴۵۸٫۴۷ است. از ریشه *Geum urbanum* L. به حالت منویدرات استخراج گردیده است (1).

مقدار آن، در گیاه خشک، طبق بررسی های J. Chemol، تدریجاً رو به کاهش می گذارد و ازین می رود. سنتز این هتروزید توسط Chaudhury و Robertson انجام گرفته است (۱).



ش ۵۶ - Geum urbanum : ریزوم برگدار - ساقه گلدار و گل
(به اندازه های طبیعی)

شوهدرات ژئین، به صورت بلورهای سوزنی شکل درستانول ۹۵ درجه به دست می آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۱۴۶-۱۴۷ درجه است ولی به حالت انیدر، در گرمای ۱۸۳-۱۸۴ درجه ذوب می شود. به مقدار بسیار جزئی در آب، الکل و استات اتیل حل می گردد ولی در اثر محلول نیست.

خواص درمانی - ریزوم و ریشه گیاه دارای اثر مقوی، قابض و نیرو دهنده است. از این نظر در تقویت دستگاه هضم، سوء هضم، شکم روش های زمین، اسهال های ناشی از ضعف مفرط ولی عاری از تحریک، سخا طها، ضعف عمومی، سیاه سرفه، ترشحات مهبلی، خونریزی های عادی رحم، اخلاط خونی، احتلام و دفع بی موقع منی، بکار می رود. در افراد مسن و کسانی که از یک بیماری برخاسته اند، بهترین داروی مقوی بحساب می آید زیرا با مصرف آن، اعمال هضم و جذب تقویت می یابد.

ریزوم و ریشه این گیاه در رفع دردهای ماهیچه ای، ضعف اعصاب و حالات مالیخولیائی نتیجه مطلوب داده است. استفاده از آن به عنوان تب بر مدتهاست که در طب عوام بین مردم معمول می باشد.

در استعمال خارج، جوشانده آن به علت دارا بودن تانن فراوان، به صورت غرغره و در رفع التهاب لثه های متورم و دردناک که ترشحات خونی پس می دهد، اثر بسیار خوب دارد به علاوه باعث سفت شدن لثه و اعاده حالت طبیعی آن می شود. ضمناً نگهداشتن جوشانده آن در دهان به علت دارا بودن اوژنول، موجب ازین رفتن بوی ناپسند دهان می گردد.

باخیساندن ریزوم و ریشه آن در شراب، محلولی بدست می آید که در معالجه زخمها، اثر التیام دهنده به نحو مؤثر دارد.

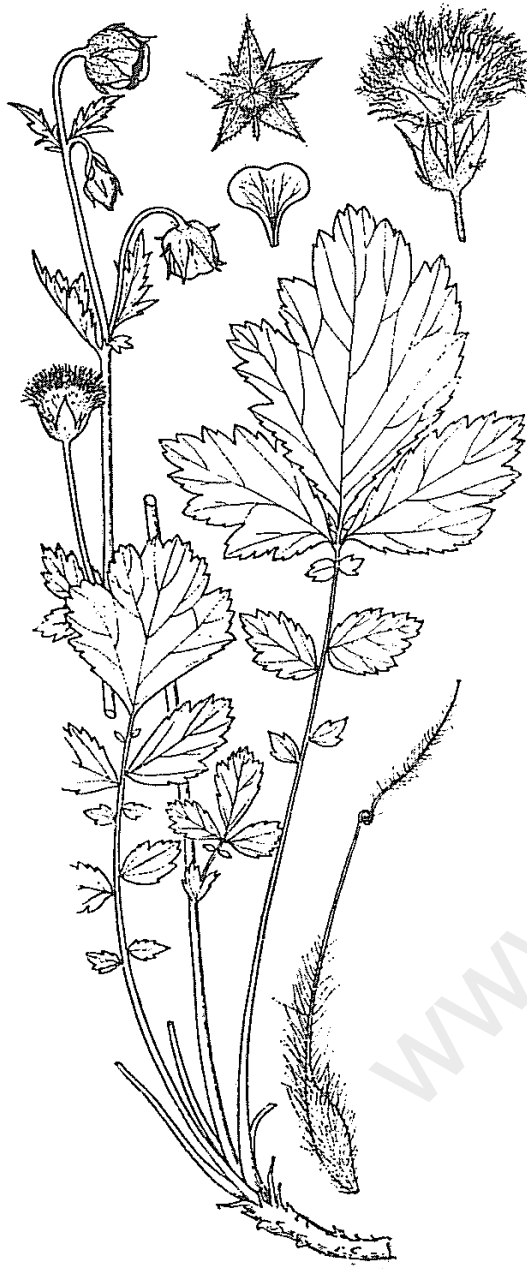
از مصارف دیگر ریزوم و ریشه این گیاه آن است که از آنها برای معطر ساختن لیکورها، خوش طعم کردن آبجو و غیره استفاده بعمل می آورند.

ریزوم این گیاه اگر به تنهایی و یا مخلوط با رازک به آبجو افزوده شود، نه تنها طعم آنرا مطبوع تر می سازد بلکه از ترش شدن آن جلوگیری می نماید. در دباغی و رنگرزی نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

در همئوپاتی (Homeopathie)، از آن فرآورده هایی بمنظور درمان و رفع خون درادرار (hématurie) استفاده می شود.

صور دارویی - دم کرده یا جوشانده . ۶ تا ۱۰ در هزار ریزوم و ریشه تازه یا ۳ تا ۶ در هزار خشک شده آنها گرد ریزوم و ریشه به مقدار ۱ تا ۲ گرم به عنوان قابض و مقوی و ۱ تا ۲ گرم آنها مخلوط در آب یا شراب و یا در عسل به عنوان تب بر بکار می رود.

باخیساندن ریزوم و ریشه گیاه به مقدار ۳ تا ۶ گرم در یک لیتر شراب به مدت ۸ روز، نوعی شراب دارویی با اثر مقوی تهیه می گردد که دو لیوان کوچک آن در روز قبل از غذا مصرف می شود.



ش ۵۷ - *Geum rivale* : سرشاخه گلدار - قاعده ساقه - کاسه گل ، گلبرگ ، میوه

نسخه جهت رفع ناراحتی های تنفسی

۳۰ گرم	گیاه مذکور
» ۱۰	مریم گلی (<i>Salvia officinalis</i>)
» ۱۰	نعناع
» ۱۰	سداب
یک لیتر	شراب قرمز

اعضای گیاهان مذکور را باید به مدت ۴ ساعت در شراب خیسانید و به مقدار یک

جرعه در هر دفعه و ۴ تا ۶ دفعه در روز مصرف کرد (J. Kunzle).

محل رویش - نواحی شمالی ایران، ارتفاعات البرز، گیلان، عمالو (راه بین کبوترچاک و زردچین) در دامنه های مشرف به دره های عمیق، نواحی شمالی هرزویل در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری، رشت، هشتر، لاهیجان، ماسوله (پیمان زرگری)، گرگان: زیارت، مینودشت. مازندران: آمل، ۵ کیلومتری جنوب شرقی بابل. لرستان: تی در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری، قزوین، سمنان-داسغان: کوه نزوه Nazvah در ۲۲۰۰ متری. اطراف تهران. آذربایجان: دامنه های غربی حاجی اسیر و حسن بگلو.

G. rivale L. - گیاهی علفی، پایا، دارای برگهای مرکب از ۳ قطعه بزرگ همراه با قطعات کوچک و نامنظم دیگر در قسمت قاعده است. گلپهائی زیبا، به رنگ زرد مایل به قرمز یا گلی با حالت آویخته در انتهای دمگل دارد. محل رویش آن نیز بیشتر در نواحی مرطوب و کوهستانی است.

خواص درمانی - ریزوم آن دارای خواصی مشابه گیاه قبل است و از آن در نواحی مختلف برای مصارف درمانی مشابه استفاده بعمل می آید.

محل رویش - این گیاه در نواحی شمالی ایران، آذربایجان: دیشکادوکی در ۱۵۰۰ متری، کوههای سبلان. مازندران: دره چالوس در ارتفاعات ۲۷۰۰ متری و نواحی مختلف کندوان در ارتفاعات ۲۹۰۰ متری می روید.

با بررسی های منطقه ای که ضمن جمع آوری این گیاه در نواحی شمالی ایران بعمل آمد، این نتیجه حاصل شد که بطور کلی *Geum* ها کمتر برای مصارف درمانی مورد استفاده مردم در این نواحی قرار می گیرند.

Geum canadense Jacq. * که در امریکای شمالی مورد استفاده درمانی قرار می گیرد

اثر مقوی و قابض دارد (Dorv. p. 189 - 1982).

Filipendula ulmaria (L.) Maxim.

Spiraea ulmaria L. ، Ulmaria palustris Moench.

فرانسه : Spirée ulmaire ، Fleur aux abeilles ، Vignette ، Reine des - près

انگلیسی : My lady's belt ، Honey-sweet ، Queen meadows ، Meadow-sweet

آلمانی : Olmaria ، Johannes-weed ، Echtes - Mädesüss ، Mädesüss

عربی : لحيه التيس، ملكة المروج

گیاهی است علفی، پایا، زیبا و به ارتفاع ۱ تا ۱۰ متر که معمولاً به حالت دسته جمعی در کنار رودخانه ها، چشمه سارها، جویبارها، گودالها، دشت های مرطوب و غیره می روید. منطقه پراکندگی آن نیز در آسیا، نواحی معتدله آمریکا و غالب نقاط اروپاست.

از اختصاصات آن این است که قاعده ساقه گیاه، دارای سوش خزننده و گره دار است و همه ساله از آن، یک ساقه هوایی به رنگ مایل بقرمز خارج می گردد که به ارتفاع ۱ تا ۱۰ متر می رسد. برگهای آن مرکب از ۲ تا ۹ زوج برگچه ناساوی به ابعاد متفاوت و منتهی به یک برگچه انتهایی است. گلهای آن معطر، عاری از نوش، شامل ۵ کاسبرگ، ۵ گلبرگ سفید و ۲ تا ۳ پرچم درازتر از گلبرگ است.

زنبور عسل منحصرأ از دانه گرده فراوان آن استفاده می نماید.

مادگی آن مرکب از ۵ تا ۹ برگچه فشرده به هم و به صورت مارپیچ در حول یکدیگر است. در داخل هر یک از آنها نیز که یک فولیکول بحساب می آید، دانه های کوچک به رنگ مایل به قهوه ای جای دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، گل، سرشاخه گلدار و ریشه آن است ولی کلیه قسمتهای گیاه نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

ترکیبات شیمیائی - از تقطیر سرشاخه گلدار این گیاه، اسانسی بدست می آید که دارای الدئید سالیسیلیک، سالیسیلات دویتیل، وانیلین vanilline (۱) پیپه رونال piperonal یا هلیوتروپین heliotropine است و از بین آنها، دو ماده اول از هیدرولیز یک گلوکزید حاصل می گردند.

Bridel در سال ۱۹۲۴ نشان داد که گلوکزید مولد سالیسیلات دویتیل که در ریشه این گیاه و گونه های دیگر آن نیز یافت می گردد، عبارت از **منوتروپیتوزید** monotropitioside

۱- مشخصات وانیلین در بحث Vanilla platyfolia Andr. (تیره ثعلب Orchidaceae) شرح داده شده است.

(یا گولترین gaultherine) است. این گلوکزید در *Monotropa hypopitys L.*، در پوست *Betula lenta L.* و همچنین در ریشه بعضی از *primula* ها نیز یافت می شود.

پیپه رونال ، Piperonal (هلیوتروپین heliotropine ، پیرونیل الدئید piperonylaldehyde)، به فرمول $C_8H_8O_3$ و به وزن ملکولی ۱۳۰.۱۵ است. از اکسیداسیون ایزوسافرول isosafrol تهیه می شود (۱). ماده ای است بی رنگ، شفاف و متبلور که در گرمای ۳۷ درجه ذوب می گردد. بوی Heliotropium را می دهد. در ۰.۰۵ قسمت آب ولی به مقدار زیاد در الکل و اتر محلول است. نگهداری آن باید در محل خشک و دور از نور انجام گیرد.

پیپه رونال از نظر درمانی اثر پائین آورنده گرمای بدن را در موارد تب دارد و از این نظر گاهی از آن به مقدار ۱-۳ گرم در روز به صورت کاشه استفاده به عمل می آورند.

پیپه رونال در عطرسازی و تهیه مواد آلی در صنعت به کار می رود. اثر دفع حشرات طفیلی مانند شپش را دارد. مسمومیت آن در انسان، اگر به مقدار زیاد مصرف شود، بصورتی است که ضعف مراکز اعصاب مرکزی را باعث می گردد.

گول ترین Gaultherine (منوتروپیتوزید Monotropitioside)، ماده ای به فرمول $C_{19}H_{26}O_{12}$ و به وزن ملکولی ۴۰۷.۴۴ است. این ماده از گیاهان متعددی، متعلق به تیره های مختلف منجمله انواع زیر به دست می آید (۲). سنتز آن نیز توسط Roberstom و Waters انجام گرفته است (۳).

Rosaceae	از تیره	Filipendula ulmaria (L.) Maxim.	۱-
		= Spiraea ulmaria L.	
—	—	Filipendula vulgaris Moench.	۲-
		= Spiraea filipendula L.	
Ericaceae	—	Gaultheria procumbens L.	۳-
—	—	Monotropa hypopitys L.	۴-
Betulaceae	—	Betula lenta L.	۵-

گول ترین به صورت بلورهای ریز، مجتمع و ستاره ای، دراستن ۹ و ۹ درجه به دست می آید. در گرمای ۱۸۰ درجه ذوب می شود. در آب و الکل محلول است ولی در استات اتیل و استن

1 - Blair, U. S, pat. 2, 916, 499 (1950 to Welsbach corp.).

2 - Bridel, Compt. Rend. 177, 642 (1923); 179, 991 (1924) .

3 - Roberston, Waters, J. Chem. Soc. (1931), 1881.

گرم در سرخک و آبله تجویز گردیده است. مصرف آن در استراغهای شدید، اسهالهای ویائی و بیماریهای ناشی از التهاب معده، اثر مفید داده است.

در مواردی که استفاده از اثر قابض گیاه مورد نظر است، ریشه آن بر سایر اندامها باید ترجیح داده شود. از ریشه این گیاه در رفع خونریزها، اسهال و دیسانتري استفاده بعمل می‌آورند. بعلاوه در موارد خونری در فواصل قاعدگی، اخلاط خونی، خنازیر، دردهای مربوط به عصب-تری ژومو و اسهالهای ساده مزمن نتیجه مطلوب داده است.

در استعمال خارج، جوشانده غلیظ برگ تازه گیاه، به صورت لوسیون یا کمپرس گرم برای بهبود سوختگی‌ها، بریدگیها، زخمها و اولسرها بکار برده می‌شود.

جوشانده‌های داغ حاصل از تمام قسمت‌های گیاه، برای رفع دردهای ماهیچه‌ای و رماتیسمی بکار می‌رود.

در دامپزشکی از آن برای مصارف درمانی شبیه آنچه که برای انسان ذکر شد استفاده بعمل می‌آورند.

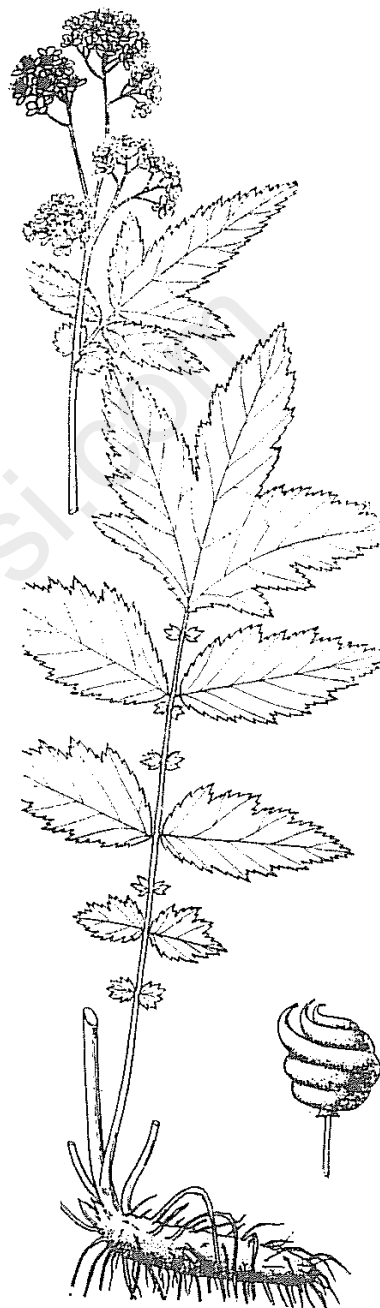
صور داروئی- دم کرده . ۵ در هزار گل این گیاه به عنوان مدر و به مقدار ۳ تا ۵ فنجان در روز مصرف دارد مشروط بر آنکه اولاً درجه گرما در حدود ۹۰ ثابت نگه داشته شود و ثانیاً مدت دم کردن در حدود ۱۲ ساعت در ظرف سر بسته‌ای انجام گیرد. به دم کرده مذکور می‌توان برگ *Betula alba L.* و میوه خشک لوبیا (قسمتی از میوه که دانه را فرا می‌گیرد) به منظور تأثیر بیشتر، اضافه نمود . دم کرده قطعات ۳-۴ برگ تازه یا یک قاشق دسرخوری برگ خشک گیاه، مخلوط با گل، در یک فنجان آب جوش (مدت دم کردن ۱ دقیقه) و به مقدار ۳-۴ فنجان در روز بین هردو غذا- الکلاتور به مقدار ۱-۲ قاشق قهوه‌خوری- تنطور به مقدار ۱-۱۰ قطره و ۳ یا ۴ دفعه در روز.

از تمام قسمت‌های گیاه به نسبت ۲۰ گرم برای ۲ لیتر شراب قرمز، نوعی شراب مقوی و قابض تهیه می‌گردد.

در استعمال خارج، جوشانده‌های غلیظ آن بکار می‌رود.

دم کرده مدر جهت دفع اسید اوریک

- | | |
|--------|--|
| ۵۰ گرم | سرشاخه گلدار گیاه مذکور |
| » ۵۰ | برگ زبان گنجشک (<i>Fraxinus ornus</i>) |
| » ۱۰۰ | برگ <i>Ribes nigrum</i> |



ش ۵۸ - *Filipendula ulmaria* : قسمت انتهائی و قاعده گیاه - نمایش ریزوم (اندازه طبیعی) میوه در زیر ذره بین (Fl. of Bulg.)

به مقدار بسیار کم حل می‌شود. در اثر عملاً غیر محلول می‌باشد. در بعضی کتب علمی قدیم، گول‌ترین همان سالیسیلات دو متیل به حالت گلوکزیدی ذکر شده است. (Reutter, p. 159, 1923).

کلیه قسمت‌های این گیاه، تا نین نسبتاً فراوان دارد.

خواص درمانی- سرشاخه گلدار آن دارای اثر مدر، دفع کننده اوره، اسید اوریک و کلورورها، معرق، قابض ملایم، آرام کننده و همچنین التیام دهنده زخم و جراحات است. بعلاوه صغرا بر، مقوی قلب و خواب آور نیز می‌باشد.

ریشه و سرشاخه گلدار آن، به صورت دم کرده و به عنوان مدر در استسقاء و خیز اعضای مختلف بدن بکار می‌رود. اثر آن در رفع بیماریهای فوق آنچنان است که در طی مدتی کوتاه، بهبود کلی ظاهر می‌شود. در رماتیسم مفصلی حاد، همچنین سلولیت (Prof. G. Pasturier)، سنگ کلیه و مجاری ادرار، دردهای عصبی و بیماریهای قلبی کمک مؤثر می‌نماید.

پزشکان عالی قدری مانند Dr. H. Leclerc، اثر آنرا در رفع رماتیسم مفصلی حاد مؤثر ذکر نموده‌اند.

در مواردی که از این گیاه به عنوان مدر استفاده بعمل می‌آید، همواره باید به این نکته توجه گردد که دم کرده آن در موقع تهیه، بجوش نیاید تا ضمن خروج بخار آب، اسید سالیسیلیک نیز با آن خارج گردد.

به عنوان معرق معمولاً از گل‌های آن استفاده بعمل می‌آورند. دم کرده گل‌های آن به حالت

به مقدار یک قاشق سوپخوری از مخلوط اعضای گیاهان مذکور برای هرفنجان آبجوش، دم کرده‌ای به مدت ۱ دقیقه تهیه نموده، ۳-۴ فنجان آنرا در روز مصرف نمایند. برای درمان سلولیت، یک قاشق سوپخوری از مخلوط اعضای گیاهان مذکور را در ۱ لیتر آبجوش ریخته تمام شب را به حال خود می‌گذارند تا مواد مؤثره آن تدریجاً در آب وارد شود سپس صبح ناشتا آنرا در یک دفعه مصرف می‌نمایند.

سمومیت - در موارد استفاده از این گیاه همواره باید به این نکته توجه گردد که زیاده روی در مصرف فرآورده‌های آن، عوارض نظیر اختلالات قلبی، پیدایش خون در ادرار و حتی برگ پیش می‌آورد.

محل رویش - مازندران: نور، پائین رودبارک در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری.

Filipendula vulgaris Moench.

Spiraea filipendula L., *Filipendula hexapetala* Gilib.

فرانسه : Terre-noix , Spirée filipendule , Filip. commune , Filipendule

انگلیسی : Lady's - ruffles , Dropwort Italian may , Common dropwort

آلمانی : Rote Steinbrechwurz , Knolliges mädesüss , Knolen mädesüss

ایتالیایی : *Filipendula* , Erba pepina , Erba peperina , *Spiraea filipendula*

گیاهی است علفی، پایا و به ارتفاع ۳ تا ۸ سانتیمتر که در دشت‌های مرطوب، جنگلها و اراضی شنزار یا آهکی نواحی مختلف اروپا، افریقای شمالی، آسیا و ایران می‌روید. ریشه آن دارای برجستگی‌های کوچک و غده مانندی است که معمولاً موقع خارج کردن گیاه از خاک، از آن جدا گردیده درون زمین باقی می‌ماند. ساقه آن از وسط برگهای واقع در سطح زمین، خارج و در انتها به مجموعه‌ای از گل ختم می‌شود. برگهای این گیاه، مرکب از برگچه‌های متعدد با ظاهر زیبا و گل‌های آن به رنگ مایل به سفید یا گلی و دارای میله‌های نر فراوان است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، غده‌های متورم ریشه آن است.

قرکیبات شیمیائی - ریشه تازه این گیاه دارای تانن و گلوکزید قابل تبلوری به نام **گول‌ترین** (منوتروپیتین، منوتروپیتوزید monotropitoside) است. از هیدرولیز این گلوکزید، تحت اثر دیاستاز مخصوص، موادی از آن حاصل می‌شود که یکی از آنها سالیسیلات دوتیل است.

در ریشه این گیاه علاوه بر مواد مذکور، اسید سالیسیلیک آزاد و الدئید سالیسیلیک نیز یافت می‌شود.

خواص درمانی - مدر، قابض و بطور ملایم اثر آرام کننده دارد. از این جهت در رفع آب آوردن انساج، اسهالهای ساده، نزله‌های ششی و غیره مصرف می‌شود. گل‌های آن اثر مدر و مسهلی دارد.



ش ۹۰ - *Filipendula vulgaris*: دو قسمت از گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی) نمایش غده‌ها

صور داروئی - دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۶ در هزار.

محل رویش - این گیاه در نواحی شمال غربی ایران، آذربایجان، ارسباران، قره‌داغ و جنگلهای حس بگلو می‌روید.

*** Spiraea Aruncus L.**

Aruncus silvestre Kostel.

فرانسه : Barbe de chèvre ، Spirée Aronce ، B. de bouc

انگلیسی : Steeple Weed ، Goat's beard ، Waldgeissbart

ایتالیائی : Spirea spigata ، Barba di capra ، عربی : دق المعز

درختچه‌ای به ارتفاع ۵ تا ۲ متر و دارای ساقه‌های مختوم به شاخه‌های حامل مجموعه‌ای از گل‌های فراوان به رنگ سفید است. چون گل‌آذین گیاه، ظاهر استوانه‌ای، دراز و پرگل شبیه به ریش بز دارد! از این جهت گیاه مذکور به این نام نامیده شده است. برگ‌های این گیاه، خیلی بزرگ و مرکب از برگچه‌های بزرگ دندان‌دار و منتهی به نوک باریک است. برگچه انتهائی نیز بزرگتر از ۲ برگچه مجاور آن و برگچه‌های دیگر است. گل‌های این گیاه در فاصله ماه‌های خرداد و تیر ظاهر می‌شود و به تفاوت بر حسب پایه گیاه، دارای پرچم یا مادگی و یا هر دو می‌باشد. ریشه ضخیم گیاه، بوی بسیار قوی و طعم تلخ دارد.

این گیاه در نواحی سرطوب، سایه‌دار و بر روی خاک‌برگ‌ها، در هر نوع زمینی می‌روید ولی اراضی سیلیسی برای رشد آن، مناسب‌تر می‌باشد. در منطقه معتدله نیمکره شمالی می‌روید در اروپا، بیشتر در نواحی کوهستانی ژورا، وژ، آلپ و پیرنه، در ارتفاعات بین ۴۰۰ تا ۱۷۰۰ متر پراکنده است بطوریکه در فلات مرکزی اصولاً یافت نمی‌شود. بعنوان یک درختچه زینتی پرورش می‌یابد. تعداد فراوانی گل بر روی گل‌آذین آن ظاهر می‌شود که موجب می‌گردد زیبایی خاص از نظر کلی پیدا کند و از گیاهان دیگر به سهولت تشخیص داده شود. گل‌های آن، نوش تولید نمی‌کند.

ترکیبات شیمیائی - دارای نوعی گلوکزید سولف اسید سیانیدریک است بطوریکه در مایع تقطیر حاصل از قسمت‌های سبز گیاه، بمقدار کم از آن یافت می‌شود ولی بخلاف *Filipendula vulgaris Moench*، فاقد الدئید سیانیدریک است. دانش دارای نوعی ساپونین می‌باشد.

خواص درمانی - له کردن قسمت‌های مختلف گیاه، مانند برگ، میوه و دانه در مجاورت آب باعث می‌گردد که اسید سیانیدریک به مقدار کم از آن آزاد شود. از تقطیر گل‌های آن مقدار کمی الدئید سیانیدریک حاصل می‌شود.

تمام قسمت‌های گیاه مانند ریشه، برگ و گل، سابقاً به عنوان مقوی، قابض ملایم و تب‌بر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مصرف اعضای پایه‌هائی از گیاه که گل‌های ماده دارند و

حاصل میوه و دانه می‌باشند باید با احتیاط صورت گیرد. مصرف این گیاه از نظر درمانی بکلی متروک شده است. معهداً در بعضی نواحی از برگ‌های خشک آن به صورت چای استفاده به عمل می‌آورند و معتقدند که چای مطبوعی از دم کردن آن حاصل می‌شود (Roques).

Spiraea crenata L.، بومی اروپای شرقی و آسیای شمالی است. در بعضی نواحی ایران مانند ارسباران، دره شهرستانک، دماوند و ارتفاعات سوادکوه، همراه با درخت توس می‌روید. درختچه مذکور گل‌های سفید و مرواریدی دارد و در اردیبهشت ماه به علت زیاد بودن تعداد گل، ظاهری پرشکوه و برنگ سفید برفی پیدا می‌کند.

نام محلی آن شلیم در ارسباران و تبرق Tabragh در سوادکوه است.

در بعضی نواحی برگ خشک گیاه بطور تقلب به چای افزوده می‌شود.

انواع **S. salicifolia L.** و **S. tomentosa L.**، هر دو اثر قابض دارند و از آنها جهت رفع اسهال استفاده به عمل می‌آید.

*** Potentilla Tormentilla Neck.**

Tormentilla erecta L. ، T. officinalis Curt.

فرانسه : Tormentille tubéreuse، P. tormentilla، Potentille officinale، Tormentille : انگلیسی : Tormentil ، Blood - root ، Septfoil ، ایتالیائی : Potentilla ، آلمانی : Fingerkraut ، Siebenfingerkraut ، Blutwurz ، Blutwurz fingerkraut : عربی : عرق الانجبار (Erq el angebâr)

گیاهی است علفی، پایا، به ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر و دارای ریزوم ضخیم که در غالب نواحی اروپا، مخصوصاً آلپ و پیرنه، آسیا، سبیری و غیره می‌روید. برگ‌های آن مرکب از ۳ تا ۷ برگچه منتهی به یک نقطه و پوشیده از کرک در سطح تحتانی است. از مشخصات آن این است که گل‌هایش زرد رنگ و به خلاف سایر گونه‌ها، دارای گلبرگ و تعداد زیادی پرچم است. ریزوم این گیاه که تنها قسمت مورد استفاده آن است، به صورت قطعاتی به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر، با ظاهر گره‌دار در معرض استفاده قرار می‌گیرد. رنگ آن قهوه‌ای و طعمش قابض ولی فاقد بومی باشد

در برش عرضی ریزوم، تعداد ۸ دسته آوندی بطور مجزا از یکدیگر، در استوانه مرکزی دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم این گیاه دارای تاننی به نام تورمانتینوئتانین tormentillo - tannin یا اسید تورمانتینوئتانیک (به مقدار ۱۷٫۴ درصد) ، قرمز تورمانتی، اسید الاژیک ac. ellagique و یک ماده اسیدی دیگر به نام اسید کینوویک ac. quinovique و غیره است. Goris و Vischniac در سال ۱۹۱۰ ، از ریزوم تازه و خشک آن، یک ماده قابل-تبلور، دکستروژیر و غیر از ته بدست آوردند که آنرا به نام **تورمانتول tormentol** نامیدند (Planchon - Bretin p. 1291).

اسید کینوویک Acide quinovique (Chinova acid, Chinovic acid)، به فرمول $C_7H_6O_6$ و به وزن ملکولی ۱۶۶٫۰۷ است. در گیاهان زیر وجود دارد و از آنها استخراج گردیده است.

۱-	Zygophyllaceae	(1) Zygophyllum coccineum L.	از تیره
۲-	Rubiaceae	(2) Mitragyna inermis kuntze	پوست
۳-	— —	Ciliata Aubl. & Pellegr.	برگ
۴-	— —	rubrostipulacea Havil.	
۵-		Cinchona	پوست بعضی انواع

اسید کینوویک، به حالت متبلور و به صورت بلورهای منشوری شکل در محلول رقیق پیریدین به دست می آید. در گرمای ۲۹۷ درجه تجزیه می گردد. طعم بسیار تلخ دارد. در آب و حلالهای دیگر غیر محلول است ولی در پیریدین حل می شود.

اسید الاژیک Ac. ellagique (اسید بنزوآریک Ac. benzoaric acid ، Lagistase) ، به فرمول $C_{14}H_6O_8$ و به وزن ملکولی ۳۰۲٫۱۹ است. اسید الاژیک از کینو (نوعی گم - تانن با اثر قابض است و بر اثر ایجاد شکاف از تنه بعضی درختان مانند Pterocarpus ها از تیره نخود و غیره به صورت شیره ای به رنگ قرمز خارج می شود و پس از خشک شدن ، تحت نام کینو، به مصارف داروئی و صنعتی می رسد) ، مخصوصاً از کینوی حاصل از انواع Eucalyptus ها مانند E. maculata Hook. و E. hemifolia F. Muell. که از گیاهان تیره Myrtaceae می باشند ، استخراج گردیده است (3).

اسید الاژیک به صورت بلورهای سوزنی شکل بدرنگ کرم (Crème) در پیریدین

1 - Soliman, J. Chem. Soc. (1939), 1760.

2 - Badger et al., ibid. (1950), 867.

3- Gell et al., Aust. J. Chem. 11, 372 (1958); Hills, Carle, ibid. 16, 147 (1963).

به دست می آید. نقطه ذوب آن، گرمای بیش از ۳۶ درجه است. در آب والکل به مقدار خیلی کم ولی در قلیائیات و پیریدین، به مقدار زیاد حل می گردد. در اثر غیر محلول است. ترا استات آن، به فرمول $C_{22}H_{14}O_{13}$ است و به صورت بلورهای سوزنی شکل در انیدرید استیک به دست می آید. در گرمای ۳۴۰ درجه ذوب می شود. از نظر درمانی اثر، بندآورنده خون دارد.

خواص درمانی- ریزوم این گیاه، قابض، ضد اسهال، مقوی، مقوی معده و بندآورنده خون است. مصرف آن در دیسانتری، شکم روش های سزمن افراد مسن، ورم روده ها و وجود خون در



ش ۶۱ - Potentilla tormentilla : سرشاخه گلدار، قاعده ساقه و ریزوم (به اندازه طبیعی) - گل (در زیر ذره بین)

ادرار (Hématurie) نتیجه بسیار خوب می دهد. در رفع استفراغهای خونی، بواسیر و خونریزیهای عادی نیز مؤثر است.

در استعمال خارج، جوشانده آن به صورت غرغره و یا حمام دهان، جهت رفع درد گلو، نرمی لثه های دندان و درمان خونروی آن و همچنین لوسیون ها و کمپرس گرم آن در رفع التهاب های سطحی بدن، خون سردگی، دردهای نقرس و موارد دیگر بکار می رود.

لوسیون حاصل از جوشاندن ۱ گرم ریزوم در نیم لیتر آب، اثر مفید در پوست‌های چرب ظاهر می‌کند. برای اینکار جوشانده مذکور را هنگام صبح و عصر بر روی پوست صورت و گردن اثر می‌دهند. جوشانده مذکور در بهبود و حفاظت زخمها، سوختگی‌ها و اولسرها نیز اثر شفا بخش دارد.

صورت داروئی - جوشانده ۱۰ تا ۳۰ در هزار ریزوم گیاه به مقدار یک قاشق سویخوری در هر ۲ دقیقه تا نیم ساعت برای رفع استفراغهای خونی و به مقدار ۳ فنجان در روز برای سوار د دیگر - شراب ۷۰ در هزار گیاه به مقدار یک لیوان کوچک بعد از هر غذا - گرد ریزوم به مقدار ۵۰۰ تا ۱ گرم و حتی بیشتر - جوشانده ۳ تا ۱۰۰ در هزار آن در استعمال خارج به صورت غرغره، لوسیون، کمپرس گرم و غیره بکار می‌رود.

گرد ریزوم این گیاه در فرمول خمیر دندانها جهت تقویت لثه‌ها و رفع حالت نرمی آن وارد می‌گردد. این گیاه در ایران نیست.

Potentilla reptans L.

P. pinnatifolia Persl. ، *Fragaria reptans* (L.) Crantz

فرانسه : Herbe à cinq feuilles ، Potentille rampante ، Quintefeuille ؛
انگلیسی : Five leaf ، Fiveleaf grass ، Five finger blossom ، Cinquefoil ؛
آلمانی : Fingerkraut ، Fäufingerkraut ، Kreichendes fingerkraut ؛
ایتالیائی : Potentilla serpeggiante ، Strisciant ، Pentofillo ، Cinque foglio ؛
عربی : ذوخمسة الاوراق

گیاهی است علفی و پایا که در کنار جاده‌ها، حاشیه گودالها و مزارع مرطوب غالب نواحی اروپا، افریقای شمالی، نواحی معتدله آسیا و ایران می‌روید. از مشخصات آن این است که ساقه خوابیده و منشعب آن در محل تماس با زمین، ایجاد ریشه‌های نابجا و پایه‌های علیحده می‌نماید. برگهای آن مرکب از ۷ برگچه دنداندار منتهی بیک نقطه و گل‌های آن بزرگ، زرد رنگ، شامل ۵ کاسبرگ و ۵ گلبرگ است.

ریزوم و ریشه آن مؤثرترین قسمت درمانی گیاه است ولی گاهی از برگ و حتی گیاه کامل نیز استفاده بعمل می‌آورند.

ریزوم آن به رنگ خاکستری قهوه‌ای و گاهی تیره است. در مقطع عرضی آن ۱ تا ۱۵ دسته آوندی باریک و دراز، متوجه به ناحیه مغز، دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیائی - تانن فراوان.

خواص درسانی - قابض خوبی است و از آن برای تقویت عمل دستگاه هضم استفاده بعمل می‌آورند. بعضی‌ها عقیده دارند که مخلوط آن با ریزوم گیاه قبلی (*P. tormentilla*) و ریزوم انجبار (*Polygonum bistorta*) (1)، اثری شبیه راتانیا ظاهر می‌نماید.



ش ۶۲ - *Potentilla reptans* : گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)

از ریزوم، برگ و حتی کلیه قسمت‌های گیاه، در طب عوام به عنوان تصفیه کننده خون، رفع اسهال و درد گلو استفاده بعمل می‌آورند.

صورت داروئی - جوشانده ۲ تا ۵۰ در هزار.

جوشانده جهت رفع ورم روده کوچک (Entérite)

۱۰ گرم	پوست درخت توس <i>Betula alba</i>
» ۲۰	علف هفت بند
» ۲۰	ریشه <i>Potentilla tormentilla</i> (2)
» ۱۰	ریشه <i>Symphytum officinale</i>
» ۱۰	کیسه کشیش

۱- گیاهی از تیره هفت بند (*Polygonaceae*) است.

۲- بجای گیاه ردیف سوم می‌توان از ریشه نوع دیگری از آن که در ایران موجود است

یعنی *Potentilla reptans* استفاده بعمل آورد.

مقدار ۶ گرم از اعضای گیاهان مذکور را در یک و نیم لیتر آب باید بجوشانند تا مایع به نصف تقلیل یابد و مایع حاصل را در ۳ یا ۴ دفعه در روز مصرف کنند.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گرگان، بندرگز، مازندران: جنوب شرقی بابل، بابلسر، بین آمل و زردمان، دره چالوس، پل زنگوله در ۲۳۰۰ - ۲۶۰۰ متری. گیلان: بین قزوین و رشت، عمارلو (ایسپیلی)، ۳ کیلومتری جنوب آستارا، بندرانزلی، رودبار، آذربایجان: کوههای آسینا، نزدیک خوی، یام. کرمانشاه در ارتفاعات ۱۳۰۰ متری، دره جام توئه. همدان، بروجرد، کوه الوند. اراک: کوه رزوند، خمین. لرستان: خاروند در ۱۶۰۰ متری، درود در ۱۵۰۰ متری. بختیاری: گاتوند. فارس: دشت ارژن، تل خسروی. قزوین، کرج، امام شهر (شاهرود سابق)، بسطام، سمنان - داسغان: شه میرزاد در ۲۳۰۰ متری.

Potentilla anserina L.

فرانسه: Tanaisie sauvage, Argentine, Herbe à cochons, Potentille ansérine
انگلیسی: Silver weed, Fair-days
آلمانی: Funffingerkraut, Gänsegarbe, Silberkraut
ایتالیایی: Erba d'argento, Erba dell'ele. Argentina
عربی: حشیشه الاوز (H. elawiz)

گیاهی است علفی و دارای ساقه‌های خوابیده که در هر یک از بندهای آن برائرتماس ساقه‌های خوابیده بازمین، ریشه‌های نابجا ظاهر می‌گردد. ظاهر کلی این گیاه با دوگونه داروئی قبلی متفاوت است زیرا به خلاف آنها، برگهائی طویل به درازای ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر و مرکب از ۱۵ تا ۲۵ برگچه دنداندار در طول محور برگ دارد. رنگ تفره‌ای سطح تحتانی و حتی سطح فوقانی برگ گیاه نیز بهترین وسیله تشخیص آن از دو گیاه قبلی است. گل‌های آن درشت، زیبا، به رنگ زرد گویگردی یا زرد نارنجی، مرکب از ۵ کاسبرگ و ۵ گلبرگ و تعداد زیادی پرچم است. رنگ زرد و زیبای گلها و رنگ تفره‌ای برگها، منظره قشنگ به گیاه می‌بخشد و از این نظر است که در بعضی نواحی پرورش می‌یابد.

محل رویش این گیاه در حاشیه جاده‌ها، کنار جویبارها، اماکن پرورش طیور و گوسفند، اطراف سردابها، استخرهای طبیعی و گودالهاست. منطقه کلی پراکندگی آن در نیمکره شمالی است قسمت مورد استفاده گیاه، برگ و ریشه آن است.

ترکیبات شیمیائی - ریشه و برگ این گیاه دارای تانن و ماده‌ای به نام **تورمانتول** tormentol است.

خواص درمانی - مقوی، مقوی معده، قابض و دارای اثر رفع دیسانتری است. بعلاوه

دارای اثر ضد تشنج و نیرو دهنده رحمی است (Schneider و Hauptstein). در درمان اخلاط - خونی (Hémoptysic)، ترشحات مهلبی، آنزین دوپواترین، بی‌اختیاری دفع ادرار و قاعدگی‌های دردناک به کار می‌رود.



ش ۶۲ - Potentilla anserina: گیاه کامل گلدار-گل (اندازه طبیعی)

صور داروئی - یک مشت (۳ گرم) اعضای گیاه در یک لیتر آب (پس از مختصری جوشاندن، به مدت ۱ دقیقه دم کنند) به مقدار ۳ فنجان در روز بین هر دو غذا (به جوشانده مذکور جهت تأثیر بیشتر، می‌توان ۱ گرم در لیتر، سنبل الطیب اضافه کرد).
در قاعدگی‌های دردناک، مقدار ۰.۵ گرم آنرا به صورت کاشه و به تعداد ۶ کاشه در

روز باید مصرف کرد (از ۳ روز قبل از وقوع قاعدگی به مدت ۴-۵ روز). مقدار مصرف تنظوران ۱۰ قطره و ۲-۳ مرتبه در روز است.

در استعمال خارج، جوشانده ۲۰ در هزار آن جهت شستشویهای مهملی به کار می رود. جویدن ریشه گیاه در تقویت لثه های دندان مؤثر است.

محل رویش - نواحی شمالی ایران: مرزن آباد. فارس: رودگر، دشت ارژن. بختیاری: کوه رنگ در ۲۴۰۰ متری.

(1) * *Quillaja smegmadermos* DC.

Q. Saponaria Poir.

درخت بزرگی است که در پرو و شیلی می روید. پوست ساقه آن به صورت نوارهای طویل به درازای متفاوت و معمولاً در حدود یک متر و بعد عرض ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر، تحت نام پوست پاناما *Ecorce de Panama* در معرض استفاده های درمانی قرار می گیرد.

ضخامت پوست آن در حدود یک سانتیمتر و سطح خارجی آن صاف، به رنگ سفید مایل به زرد و دارای لکه ها یا خطوط متعددی به رنگ قهوه ای تیره است. سطح داخلی آن، رنگ خاکستری مایل به زرد و خطوط ظریف فراوان دارد.

از برخورد قطعات آن به یکدیگر و شکسته شدن آنها، غباری به صورت ذرات ریز و متبلور در فضا پراکنده می شود که شدیداً اثر تحریک کننده مخاط بینی داشته، ایجاد عطسه، سرفه و ترشح بزاق می کند.

اگر قطعات پوست آنرا در آب قرار داده تکان دهند، کف فراوان در سطح آن ایجاد می شود. پوست پاناما فاقد بو می باشد و اگر در دهان قرار گیرد، طعم آن تدریجاً تلخ می گردد.

اختصاصات تشخیصی - در زیربشره پوست پاناما، لایه های متعدد سلولهای چوب پنبه ای شده دیده می شود که سهولت از پارانشیم جدا می گردد.

پارانشیم پوستی و بافتیهای دیگر آن، دارای بلورهای اکسالات کلسیم است. در آبکش پوست، دسته های جدا از هم فیبر به وضع موازی یکدیگر به نحوی قرار دارند که باعث جدا شدن پوست به صورت ورقه های نازک می گردند. اشعه مغزی مرکب از ۳ ردیف سلول باریک و منظم، در آن سهولت قابل تشخیص است.

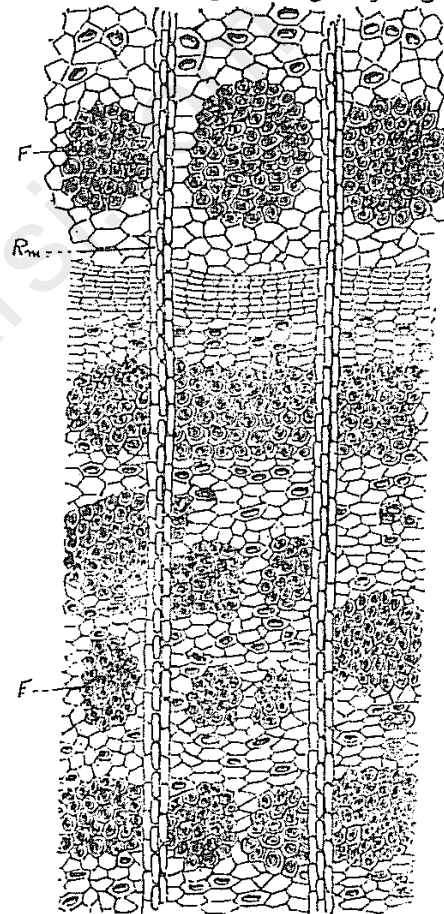
۱- نام جنس این گیاه و مواد مؤثر آن به تفاوت، *Quillaja*، *Quillaia*، *Quillaya* در کتب داروئی و فارماکوپه ها ذکر شده است.

در کیمیات شیمیائی - پوست پاناما طبق تحقیقات Kobert (درسال ۱۸۸۵) دارای نوعی ساپونین و اسید کوئی لاژیک *acide quillajique* (ac. quillayique) است. ماده مذکور، تحت اثر اسیدهای رقیق، هیدرولیز گردیده، ساپونین *sapogenine*، گالاکتوزیک قند دکستروزیر و غیر قابل تخمیر آن حاصل می شود. پوست پاناما همچنین دارای نوعی ساپونین خنثی به نام کوئی لاژا - ساپوتوکسین *quillaja - saptoxine* است بعلاوه، نوعی هیدرات -



ش ۲۲ - *Quillaja smegmadermos*: شاخه گلدار - گل کامل و برش قائم آن - دیاگرام

کربن مخصوص به نام **لاکتوزین** در آن یافت می شود (Planchon - Bretin, p. 1297).
اسید کوئی لاکتیک (Acide quillajique) (quillaja saponin) به فرمول $C_{30}H_{48}O_{10}$ و به وزن ملکولی ۴۸۶۶۷ است و به حالت متبلور در استات اتیل به دست می آید.
 در ۲۹۲ تا ۲۹۳ درجه ذوب می شود. در الکل، اتر، استن استات اتیل و اسید استیک گلاسیال محلول است (۱).



خواص درمانی - پوست پاناما، مدر و خلط آور است ولی از لحاظ دارا بودن این خواص نمی تواند جانشین پلی گالاگردد زیرا ساپونین های آن سی تر می باشد. مصرف آن ایجاد تحریکات شدید و ورم معده - روده می کند بعلاوه تهوع و استفراغ می آورد. از این نظر نباید از پوست پاناما در موارد قرحه و زخم دستگاه گوارش استفاده شود زیرا بر اثر جذب ساپونین ها، ایجاد مسمومیت می گردد.
 مصرف پوست پاناما، به علت سمی بودن، باید در نهایت احتیاط صورت گیرد.
صورت دارویی - پوست پاناما در مصارف داخلی، سابقاً به صورت تیزان ۲ در هزار و به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر ساعت مصرف داشته است.
 مصارف صنعتی آن زیاد است مانند آنکه در تهیه ساپونین، محلول شاپو به عنوان کف کننده، شستشوی پشم، سفید کردن، پارچه های کتانی و غیره مصرف دارد.
 این گیاه در ایران نمی روید.

ش ۶۴ - برش عرضی پوست پاناما:
 فیبر F = شعاع مغزی (Reutter) Rm

۱- فرمول مذکور با فرمول منعکس در بعضی کتب دارویی اختلاف دارد.

Sanguisorba minor Scop.

Poterium Sanguisorba L.

فرانسه : Bipinelle ، Petite pimprenelle ، P. sanguisorbe، Pimprenelle des jardins
 انگلیسی : Kleine wiesenknopf، Bibernelle : Small burnet ، Salad burnet
 ایتالیایی : Sorbestrella ، Burnet ، Pimpinella sorbastrella : توت الثعلب

گیاهی است علفی، به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر (حتی بیشتر) و دارای ساقه های به رنگ سبز مایل به قرمز که در کشتزارها، نواحی مرطوب و اماکن بایر، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی باشد می روید. منطقه پراکندگی آن نیز در نیمکره شمالی است. انتشار خارج از حد این گیاه در نیمکره شمالی بیشتر به این علت است که غالباً همراه با سبزی های خوراکی پرورش می یابد.
 برگهای آن مرکب از ۷ تا ۱۰ برگچه دنداندارشانه ای به ابعاد ناساوی و گل های آن عاری از گلبرگ و مجتمع به صورت برجستگی تخم مرغی شکل در قسمت انتهایی دمگل های دراز است. از اختصاصات آن اینست که دونوع گل، یکی نر و دیگری نر- ماده دارد و پوششی مرکب از ۴ کاسبرگ در هر گل آن دیده می شود که آن نیز توأم با پراکنده ها، رنگ سبزی سبز مات مایل به قرمز برای گل آذین بوجود می آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اعضای آن است.

ترکیبات شیمیائی - تانن و اسید مختلف.

خواص درمانی - اشتها آور، مدر و بطور خفیف دارای اثر قابض، بندآورنده خون و ضدنزله است. مصرف آن در موارد سنگ کلیه، دیسانتری و ضعف عمل دستگاه هضم توصیه شده است. برای برگ آن اختصاصاً اثر مقوی معده قائل اند. در رفع ورم روده، درمان شکم روش های اطفال و خونروی های رحمی (خونروی در فواصل قاعدگی) اثر معالج ظاهر می کند.
 در استعمال خارج، اثر تسکین دهنده، درمان سوختگی ها و بهبودی آنها دارد و از آن به صورت لوسیون، جهت شستشو و پانسمان زخمها استفاده می شود.

صورت دارویی - دم کرده یک مشت گیاه تازه در یک لیتر آبجوش - جوشانده گیاه تازه که با افزودن کمی کره و نمک به صورت سوپ درآید (Dr. H. Leclerc) - عصاره روان به مقدار ۲-۵ گرم در روز - الکلاتور به مقدار ۴ قطره و ۴ مرتبه در روز مخلوط در یک دم کرده.

در استعمال خارج، برگ تازه گیاه را به عنوان تسکین دهنده و التیام دهنده بر روی سوختگی ها اثر می دهند. سابقاً از آن، برای درمان زخمها، اولسرها و بواسیر، استفاده به عمل می آمده است.